



مجوز سفر صادر نمی‌شود

ایمان قربانی، رئیس روابط عمومی فرمانداری تهران از ممنوعیت سفرهای بین استانی از ۱۲ تا ۱۷ خرداد خبر داد و از تهرانی‌ها درخواست کرد از تجمع در مقابل فرمانداری تهران به منظور گرفتن برگه تردد بین استانی خودداری کنند، چراکه فرمانداری مجوزی صادر نمی‌کند. وی افزود: با اعلام ستادملی مبارزه با کرونا، با توجه به تعطیلات پیش رو در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد، به منظور کنترل بیشتر بیماری، از ساعت ۱۱ روز چهارشنبه ۱۲ خرداد تا ساعت ۱۲ ظهر دوشنبه ۱۷ خرداد تردد بین استانی ممنوع است. /جام جم دیلی

آمارها نشان می‌دهد مساله آسیب‌های اجتماعی با وجود مطالبه جدی رهبر انقلاب با غفلت دولت دوازدهم مواجه شد

آسیب‌های اجتماعی چگونه به حاشیه رفت؟!

همه کادشوهاي کشور يا معضل حاشيه‌نشيني روبه‌رو هستند / عکس: جام جم



مریم خباز

جامعه

می‌گویند به جای آسیب‌های اجتماعی باید بگوییم مساله اجتماعی که ترجمه فارسی سوشال پرابلم است. همچنین می‌گویند آسیب یا مساله اجتماعی آن چیزی است که از نظر بخش زیادی از مردم معایر- معیارها و هنجارهای حاکم بر اجتماع است؛ اموری که نظم اجتماعی و گذران زندگی را دچار اختلال می‌کند و در ضمن باعث ایجاد دشواری‌هایی برای روان مردم و روح اجتماع می‌شود.

با این تعریف، دایره آسیب‌های اجتماعی در جامعه‌ای مثل ما وسیع است و روزی نیست با این آسیب‌ها رخ به رخ نیاشیم اما برای این که رصد این آسیب‌ها نظمی بگیرد، سراغ آسیب‌هایی می‌رویم که پنج سال قبل در پاییز ۹۵ رهبر انقلاب بر اساس آن یک تقسیم‌کار ملی را به وزارت کشور پیشنهاد دادند و خواستند

حرکت خزنده اعتیاد

در حوزه اعتیاد هیچ‌گاه آمار دقیقی که

بازتاب‌دهنده تعداد واقعی مصرف‌کنندگان موادمخدر باشد در کشورمان وجود نداشته و فقط معتادان به دودسته رسمی و تفنی تقسیم شده‌اند که اولی‌ها آمار دارند و آمار دومی‌ها تخمینی است.

سال ۹۲ و قبل از آن آماري که از جمعیت مصرف‌کنندگان موادمخدر ارائه می‌شد یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر بود و گفته می‌شد تعداد

کسانی که اعتیاد دائمی ندارند و مصرف‌کننده تفننی‌اند دو تا سه برابر این رقم است. آن سال‌ها حرف از این بود که ۹۷/۷ درصد معتادان رسمی

مرد هستند و ۹/۳ درصد آنها زن. یک بار نیز وزیر کشور در سال ۹۳ اعلام کرد اعتیاد زنان در چهار سال گذشته یعنی از سال ۸۹ تا ۹۳ چهار برابر شده، آماری که پیش از آن حول و

حوش ۵ درصد می‌چرخید. اکنون نیز دیرکلر ستاد مبارزه با موادمخدر اعلام می‌کند اعتیاد زنان اطراف ۵ درصد دور می‌زنند، عددی که قبول

آن دشوار می‌نماید چرا که اکنون جمعیت متعاد تایید شده در کشور دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر است و معاون این ستاد نیز تخمین می‌زند چهار

میلیون و ۴۰۰ هزار معتاد شناسایی نشده باید در کشور وجود داشته باشد. به سالنامه آماری مرکز آمار ایران در سال ۹۸ نیز که رجوع کنیم و آن را با اطلاعات سالنامه سال ۹۲ مقایسه کنیم، اطلاعات با این که مخدوش و ناقص است و مخصوصا در سال ۹۲ اطلاعات دندان‌گیری از آن استخراج نمی‌شود ولی با این حال می‌توان نتیجه گرفت در حوزه اعتیاد و موادمخدر اوضاع فعلی نسبت به گذشته بدتر شده و کاهش ۲۵ درصدی معتادان که تکلیف قانونی برنامه هشتم توسعه برای متولیان بود، در عمل بر زمین مانده است.

رسیدگی به پنج معضل اجتماعی در اولویت باشد: اعتیاد و موادمخدر، حاشیه‌نشینی، طلاق، مفاسد اخلاقی و مناطق بحران خیز. از سال ۹۵ به بعد این موضوع بارها و بارها از زبان مسؤولان تکرار شد و چنین می‌نمود که رسیدگی به پنج آسیب اجتماعی اولویت دار کشور در راس فعالیت دستگاه‌ها و نهادهای مسؤول است و خواهد بود؛ حتی بر این اساس، سازمان امور اجتماعی در دل وزارت کشور شکل گرفت. حالا اما با گذر ایام نه این سازمان حضوری پررنگ در حوزه آسیب‌های اجتماعی دارد و نه حتی پورتال خبری و آماری‌اش کامل است، سایر دستگاه‌هایی که باید در این حوزه فعال باشند نیز دچار نوعی خمودگی‌اند و حتی سازمان‌هایی که موظف به ارائه آمار یا جمع‌بندی آمارهای ارائه شده از سوی دیگرانند، بی‌انگیزه نشان می‌دهند.

دست‌رسی به آمار در حوزه آسیب‌های اجتماعی دشوار است. آمارهای این حوزه به‌شدت

طلاق، آسیبی با حرکت جهشی

بودند ۶۰۸ هزار و ۹۷۷ نفر زندگی مشترک را آغاز کردند. در واقع سال ۹۶ سالی بوده که در آن افت یکباره ازدواج‌ها به‌طور ملموس حس شد و به بعد صدهزار نزدیک شد. سال ۹۷ نیز این روند کاهش ملموس و معنی‌دار ادامه یافت و ازدواج‌ها به ۵۴۹ هزار و ۸۶۱ مورد و طلاق‌ها به ۱۷۴ هزار و ۶۹۸ مورد رسید.

با این حال ولی وضعیت ازدواج و طلاق در سال ۹۸ از همه سال‌هایی که ذکرش رفت، وخیم‌تر شد. در این سال در حالی که طلاق تقریبا ثابت ماند و روی عدد ۱۷۴ هزار و ۸۳۱ ایستاد، ۵۴۰ هزار و ۲۲۵ ازدواج ثبت شد که کمترین رقم در ۸ سال اخیر بود.

در میان این اعداد و ارقام اما آن چیزی که باعث نگرانی است نه فقط کاهش تعداد ازدواج بلکه نسبت ازدواج به طلاق در کشور است که سال به سال با یاد طلاق‌های بیش‌شمار رو به ازای هر ازدواج نشان می‌دهد. در سال ۸۷ به ازای هر ازدواج یک طلاق وجود داشت اما در سال ۹۷ به ازای هر سه ازدواج یک طلاق ثبت شد، نسبتی که کویت‌ار از هر کلامی، تزلزل بنیان خانواده را نشان می‌دهد. ما کشوری هستیم که یک سئند چشم‌انداز ۲۰ ساله داریم که در آن آینده‌ای روشن برای کشورمان ترسیم شده؛ آینده‌ای که سال ۱۴۴ یعنی در چهار سال آینده سر می‌رسد و در آن سال جامعه ما باید جامعه‌ای باشد برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد به دور از تبعیض و فساد و البته صاحب نهاد مستحکم خانواده.

همچنین ما سیاست‌های کلی خانواده را داریم که خانواده را کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه اعتلای معنوی کشور می‌داند و معتقد است حرکت نظام باید به این سمت باشد: ایجاد جامعه‌ای خانواده‌محور، تقویت و تحکیم خانواده و محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و برنامه‌ها و سیاست‌ها. اگر رشد فزاینده طلاق‌ها و کاهش ازدواج‌ها را ملاک قضاوت قرار دهیم در این هشت سال نه تنها در جهت سیاست‌های کلی خانواده حرکت نشده بلکه تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۴۴ نیز مبهم است؛ ضمن این که پدیده طلاق به‌عنوان یکی از پنج آسیب اجتماعی اولویت‌دار کشور نیست و چیزی نیست به جز پدیده‌ای رها شده و بی‌برنامه.

البته این به آن معنا نبود که بقیه آسیب‌ها مورد توجه نباشد، چرا که در چهار

سال اخیر موضوعاتی مثل الکل، ایدز، آسیب‌های فضای مجازی و آسیب‌های دانش‌آموزان و دانشجویان نیز مورد توجه بود که در نهایت پس از برگزاری جلسات با رهبری و تأکیدیاتی که قانون برنامه هشتم توسعه داشت، طرح جامع کنترل آسیب‌ها با اولویت ساماندهی چهار آسیب اجتماعی تدوین و یک سلسله اقدامات انجام شد.

❖ **در مجموع آیا عملکرد سازمان متبوع خود در حوزه آسیب‌های اجتماعی را قابل قبول می‌دانید؟**

آسیب‌های اجتماعی تک علتی نیستند که اگر در یک عامل مداخله شد مشکلات حل شود. یک‌سری سیاست‌های کلان وجود دارد که باعث تولید آسیب‌های اجتماعی می‌شود. مثلا وقتی فقر و بیکاری در جامعه وجود دارد یا اجتماع درگیر ناامیدی نسبت به آینده است باید بدانیم که این شرایط باعث تشدید آسیب‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین اگر قرار است آسیب‌های اجتماعی از بین برود باید در سطح کلان، مبنای و خرد مداخاتی انجام شود. همچنین در یک پدیده مشخص مثلا طلاق چند دستگاه مختلف از فرهنگی گرفته تا حمایتی دخیل هستند و همه باید با هم اقدام کنند و البته منابع مورد نیاز هم به موقع تأمین شود.

چالش دوباره پانسمان برای پروانه‌ای‌ها

حمیدرضا هاشمی گلپایگانی، مدیرعامل خانه ای بی با انتقاد از ایجاد برخی مشکلات برای تأمین پانسمان بیماران پروانه‌ای و همچنین عدم برگزاری جلسه برای حل مشکلات این بیماران از سوی مسؤولان در وزارت بهداشت، گفت: ۲۷ ماه است وزیر بهداشت به‌رغم چند درخواست کتبی ما، هنوز وقت ملاقات ندادند. به گفته هاشمی گلپایگانی از زمان اعمال تحریم‌های آمریکا تاکنون ۱۵ نفر از بیماران پروانه‌ای به دلیل نداشتن پانسمان فوت کرده‌اند. / ایسنا

آسیب اجتماعی	سال ۹۲	سال ۹۸-۹۹
اعتیاد(جمعیت مصرف‌کننده‌های شناسایی شده)	یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر	دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر
مرگ بر اثر سوء مصرف موادمخدر	۲۹۵۷ نفر	۴۴۷۲ نفر (آمار سال ۹۸) ۹۹ هنوز اعلام نشده است
طلاق	۱۵۵ هزار و ۳۶۹ مورد	۱۷۴ هزار و ۸۳۱ مورد (آمار سال ۹۸) آمار سال ۹۹ هنوز اعلام نشده است
حاشیه نشینی	آمار دقیقی در دست نیست (آخرین آمار مربوط به سال ۹۳ از وجود ۱۰ میلیون حاشیه‌نشین حکایت دارد)	۲۱ میلیون نفر

اوج‌گیری حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی را خاستگاه اصلی آسیب‌های اجتماعی می‌دانند و یک حاشیه‌نشین را کسی می‌گویند که نابرابری را لمس می‌کند، ساختار شغلی مناسب ندارد و از مسکن مناسب، امنیت پایدار و خدمات بهداشت مطلوب بی‌بهره است. با این‌که آمارها در حوزه حاشیه‌نشینی در کشورمان نیز مثل سایر آسیب‌ها مخدوش و مبهم و متناقض است اما آخرین آمارهایی که از جمعیت حاشیه‌نشین کشور در دست است عدد ۲۱ میلیون نفر را نشان می‌دهد که ۱۱ میلیون نفر از آنها در بافت‌های فرسوده به مساحت حدود ۵۵ هزار هکتار زندگی می‌کنند و ۹ میلیون نفرشان در سکونتگاه‌های غیررسمی به مساحت بیش از ۵ هزار هکتار. اگر به قبل از سال ۹۰ برگردیم آمارهای موجود که از گفته برخی مسؤولان استخراج می‌شود عدد حاشیه‌نشین‌های کشور را بسیار کوچک‌تر از رقم فعلی نشان می‌دهد. از جمله شهریور ۹۹ معاون شرکت بازرگانی شهری اعلام کرد تا قبل از سال ۹۰، ۱۰۰۰ محله از ۱۱۰ شهر کشور حدود شش میلیون و ۷۰۰ هزار نفر ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی بودند در حالی که این رقم در سرشماری سال ۹۵ به بیش از ۱۱ میلیون نفر رسید. سال ۹۳ نیز دو عضو مجلس نهم دو آمار قابل ملاحظه را اعلام کردند که مهر تاییدی بر رشد فزاینده حاشیه‌نشینی در کشور بود. هفت سال قبل عباس صلاحی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس از ۱۰ میلیون حاشیه‌نشین در کشور انتقاد کرد، همچنین علیرضا محبوب دیگر عضو این کمیسیون نیز اعلام کرد به‌طور متوسط مهاجرت حاشیه‌نشین‌ها به کلانشهرها نسبت به سال ۱۷۰۶ برابر افزایش یافته است.

به این ترتیب با این‌که آماری در دست نیست که به‌طور مشخص بگوییم از ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی به این سو هر سال جمعیت حاشیه‌نشین کشور چند نفر بوده و این جمعیت در کدام بازه‌های زمانی رشد قابل ملاحظه داشته است ولی می‌دانیم از یک دهه قبل جمعیت حاشیه‌نشین‌ها همواره رو به رشد و در عوض میزان توجه به این آسیب اجتماعی همواره کاهش یافته است.

اگر به گزارش سال ۹۹ مرکز پژوهش‌های مجلس استناد کنیم این گزارش اعلام می‌کند که در بوجه این سال از اعتبار ویژه مقابله با آسیب‌های اجتماعی در مجموع ۹/۸ درصد کاسته شده که یکی از بیش‌ترین کاهش‌ها مربوط به اعتبارات حاشیه‌نشینی و بافت‌های فرسوده بوده است. دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز فروردین امسال گزارشی را منتشر کرد که کم‌کاری‌های دولت در سال‌های دولت نسبت به پدیده حاشیه‌نشینی به خوبی ملموس است. این دفتر به محقق نشدن سیاست‌های بازرگانی شهری اشاره دارد و تأکید می‌کند که با وجود گذشت نزدیک به ۱۰ سال از تصویب قانون حمایت از احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و همچنین با وجود گذشت بیش از پنج سال از تهیه آیین‌نامه اجرایی تأمین منابع مالی اجرای این قانون و نیز به‌رغم تدوین سند ملی راهبردی احیا، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد اما عملکرد دولت در این بخش بسیار ضعیف بوده است.

دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس یک‌گواه بر گفته خویش دارد و وجود فاصله میان اقدامات انجام شده با اهداف برنامه ششم توسعه را با یک عدد اثبات می‌کند یعنی وجود بیش از دو میلیون و ۸۰۰ هزار واحد مسکونی در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد و همچنین حاشیه‌نشینی و اسکان حدود ۱۲ میلیون نفر در این مناطق. در این میان آماری که استاندارد تهران به‌تازگی ارائه داده نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد. به گفته انوشیروان محسنی بندپی، ۳۶ درصد جمعیت استان تهران(۴/۵ میلیون نفر) در بافت فرسوده زندگی می‌کنند، در حالی که ۱۰ درصد مساحت استان در حوزه شهری معادل ۱۵ هزار هکتار نیز یا فرسوده یا در تصرف سکونتگاه‌های غیررسمی است.

به این ترتیب اگر نگوئیم مسؤولان در هشت سالی که گذشت دست روی دست گذاشته و پدیده حاشیه‌نشینی به عنوان یک معضل اجتماعی را تنها نظاره کرده‌اند، باید بگوییم حتماً توجه به حاشیه‌نشینی و تلاش برای مقابله با آن جزو اولویت‌های دولت نبوده است.

مادر حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت اجتماعی کودکان کار و خیابان نیز ورود کردیم که شاید نتایجش فعلا در گف خیابان ملموس نباشد ولی امیدواریم آثار آن به تدریج مشخص شود. در مجموع دوست داشتیم در حوزه‌های مختلف آسیب‌های اجتماعی بیش از این کار کنیم.

❖ **پس چه شده که بیشتر کار نکردید؟**

به نظر می‌رسد برخی از عدم موفقیت‌ها به‌خاطر برخی موازی‌کاری‌ها و ضعف‌های ساختاری باشد. پس اگر می‌خواهیم موفقیت بیشتری کسب کنیم باید به اصلاحات ساختاری و افزایش کارایی سیستم بپردازیم. معتمد در برخی حوزه‌ها مثل کودکان کار یا معتادان و ارائه خدمات به آنها باید بیش از این کار شود. ❖

